

نگاهی به موضوع عربیت قرآن

دکتر عباسعلی نقره

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

قرآن از برجسته ترین کتابهای آسمانی است که در وصف آن گفته‌ها و نوشته‌های بسیاری بیان شده است. یکی از موضوعاتی که در قرآن مجید به آن تصریح شده است، عربیت قرآن است.

عربیت قرآن به معنی عربی بودن قرآن نیست، بلکه به معنی وضوح و روشنی است؛ به دلیل اینکه هم مفهوم کلمه عربی و اشتقاق آن به معنی وضوح و بیان است و هم قرآن و احادیث بر آسان بودن فهم قرآن تأکید دارند؛ علاوه بر این، نزول کتابهای آسمانی به زبان قوم پیامبران (ع) و مأموریت آنان برای تبیین و توضیح آنها و وجود کلمات غیر عربی در قرآن از دلایل دیگر این موضوع می باشد.

زبان عربی دارای برجستگیهای زیادی می باشد که باعث شده است این زبان در بین سایر زبانها جایگاه ممتازتری را به خود اختصاص دهد. این جایگاه با نزول قرآن به زبان عربی به نقطه اوج خود رسید و موجب شد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان جهان به آن جلب شود و زمینه های رشد و تکامل آن را بیش از پیش فراهم سازد.

کلیدواژه ها: قرآن، عربیت، اشتقاق، اصالت، امتیازات زبان عربی.

مقدمه

عظمت قرآن بر هیچ کس پوشیده نیست و احادیث بسیاری در این خصوص وارد شده که از جمله آنها روایت رسول خدا (ص) است که فرموده اند: «قرآن ثروتی است که بالاتر از آن ثروتی نیست و بعد از آن فقری تصور نمی شود.» (الطبرسی: ۱۵)

همچنین از آن حضرت روایت شده است: «هر کس قرآن بخواند و تصور کند به کسی چیزی بهتر از آن بخشیده اند، چنان خواهد بود که آنچه را خداوند بزرگ داشته است، کوچک شمرده است و آنچه در نزد خدا کوچک آمده است، بزرگ به حساب آورده است.» (الطبرسی: ۱۵)

از حضرت علی بن ابیطالب (ع) روایت شده است که فرمودند: خداوند متعال با نشان دادن قدرت خود به مردم و ترساندن آنها از خشم خود، در قرآن ظهور یافته است؛ بدون اینکه در معرض نگاه آنها قرار گرفته باشد. (حکیمی، ۱۳۹۹: ۴۴)

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: قرآن شفاعتگری است که شفاعت او پذیرفته است و تلاشگری است که تلاش او مورد تأیید است. هر که او را پیشاروی خود قرار دهد، به بهشت هدایت شود و هر که او را پشت سرش قرار دهد، او را به سوی برزخ بکشاند. قرآن کتابی است که به بهترین راهها هدایت می کند و روشنگریهای مهمی در آن نهفته است. (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۹۹)

عظمت بی نظیر قرآن موجب شده است که این کتاب مقدس در بین مسلمانان و اندیشمندان جهان، محور مباحثات و مطالعات بسیاری واقع شود.

یکی از مباحثی که در قرآن مجید مورد توجه واقع شده و در یازده جابرو روی آن تأکید صورت گرفته است، عربیت قرآن است.

موضوعی که لازم است مورد بررسی قرار گیرد و روشن شود، این است که آیا منظور از عربی بودن قرآن، نزول آن به زبان عربی است؛ زبان یک قوم و جمعیت خاص یا منظور از آن وضوح و روشنی مفاهیم آن است. برای تبیین این مفهوم سعی شده است که موضوعات زیر مورد مطالعه قرار گیرد:

- ۱- کاربردهای کلمه عربی در قرآن مجید؛
- ۲- مفهوم لغوی کلمه عربی؛
- ۳- عربیت قرآن به معنی وضوح و روشنی است؛
- ۴- برجستگیهای زبان عربی؛
- ۵- تأثیر قرآن در تحوّل و تنظیم قوانین زبان عربی.

۱- کاربردهای کلمه عربی در قرآن

در قرآن مجید در یازده مورد تصریح شده که قرآن به زبان عربی نازل شده است؛ این موارد عبارتند از:

- ۱- سوره یوسف (۱۲)، آیه ۲: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» ما قرآن را به عربی نازل کردیم شاید شما خردورزی کنید؛
- ۲- سوره رعد (۱۳)، آیه ۳۷: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا» و این چنین قرآن را حکم و دستوری عربی نازل کردیم؛
- ۳- سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۰۳: «وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» و این زبان عربی روشنی است؛
- ۴- سوره طه (۲۰)، آیه ۱۱۳: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» و این چنین قرآن را عربی نازل کردیم؛

۵- سوره شعراء (۲۶)، آیه ۱۹۵: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» جبرئیل قرآن را به زبان عربی روشن بر قلب تو نازل کرد تا از بیم دهندگان باشی؛

۶ و ۷- سوره فصلت (۴۱)، آیات ۴ و ۳: «كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتَهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» قرآن کتابی است که آیات آن به عنوان مجموعه ای عربی توضیح داده شده است برای مردمی که می دانند.

«أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ» گویند: این کتاب عجمی است یا عربی؟ بگو قرآن برای آنها که ایمان آورده اند راهنمایی و درمان است؛

۸- سوره زمر (۳۹)، آیه ۷: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» و این گونه قرآن را عربی به تو وحی کردیم تا مردم مکه و اطراف آن را بیم دهی؛

۹- سوره زحرف (۴۳)، آیه ۲: «أَنَا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» همانا آن را قرآنی عربی قرار دادیم شاید شما اندیشه کنید؛

۱۰- سوره احقاف (۴۶)، آیه ۱۲: «وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا» و این کتابی است تأیید کننده که به زبان عربی است تا بیم دهد ستمکاران را.

۲- مفهوم لغوی کلمه عربی و اشتقاق آن در کتابهای لغت

کلمه عربی و اشتقاق آن غالباً به مفهوم بیان، وضوح و فصاحت به کار رفته است. اگر در زبان عربی می گویند این کلمه عربی است، یعنی روشن است؛ فصیح است و مشکلی در فهم آن موجود نیست. در المنجد آمده است:

عربَ یعربُ عُرُوبَهُ و عُرُوبِیَّةً و عَرَابَهُ و عَرَبًا و عُرْبًا . تَكَلَّمُ بِالْعَرَبِیَّةِ و لَمْ یَلْحَنْ وَ كَانَ عَرَبِیًّا فَصِیْحًا (الیسوعی: ۴۹۵) یعنی : به زبان عربی سخن گفت؛ اشتباه نکرد و روشن و گویا بود .

عَرَبٌ یَعْرَبُ عَرَبًا الرَّجُلُ ، فَصَحَّ بَعْدَ لَكُنْهَ فِی لِسَانِهِ . یعنی : بعد از آنکه زبانش گرفته و نارسا بود، فصیح شد و به صورت رسا سخن گفت .

عَرَبَ الْمَنْطِقَ : هَدَّبَهُ مِنَ اللَّحْنِ ، وَ الْكِتَابَ وَ نَحْوَهُ : نَقَلَهُ مِنْ لُغَةٍ اجْنَبِیَّةٍ إِلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِیَّةِ وَ عَنِ لِسَانِهِ ، اِبَانٌ وَ أَفْصَحَ . یعنی : سخن را از خطا آراست و آن کتاب را از زبان خارجی به عربی برگرداند و زبانش را روشن نمود .

اعرب کلامه : حسنه و افصح و لم یلحن الشیء : ابان و عن حاجه ابان عنها و بالكلام بینة و الکلمه بین و وجهها من الاغراب و اوضحها . یعنی : سخن را آراسته کرد ، واضح نمود و خطا نکرد . نیازمندی را به روشنی بیان نمود : سخن را آشکار ساخت و وضعیّت اعراب کلمه را مشخص نمود .

خیلٌ او ابلٌ عرابٍ اعرابٌ : کرائمٌ سالمةٌ من الهجنه ؛ یعنی : اسبان و شتران سالم از نقص و عیب . ابن منظور در لسان العرب می گوید : « وقتی به فردی عربی زبان می گویند که سخنش روشن باشد و ازهری گفته است مفهوم اعراب و تعریب یکی است و منظور از آن روشن کردن و واضح نمودن است ، گفته می شود : اعراب عن لسانه و عرب الی ؛ یعنی : ابهام را از زبانش دور ساخت یا می گویند : اعرب عن الرجل ؛ یعنی : او را معرفی کرد و به اعراب از آن جهت اعراب گفته شده است که جایگاه کلمه را روشن می کند و ارتباط آن را با جمله عربی مشخص می سازد . (ابن منظور: ۵۸۹)

نویسندگان ، برای هر ملتی علمی را مشخص کرده اند:

برای ملت روم، طب و نجوم و الحان و رسم؛
 برای ملت فارس اندیشه، سیاست و تربیت علوم، و معرفت به عواقب امور؛
 برای ملت یونان، ذهنهای ورزیده، اصطیلاب، طب و حساب و هندسه و آلات
 حرب و حکمت؛

برای ملت چین، ساخت و ساز، کاسه و ظرف؛
 برای ملت هند، شناخت حساب و ستاره شناسی و خط هندسی و اسرار علم
 پزشکی؛

برای ملت ترک، قیافه و جنگ؛
 و برای ملت عرب، علم شعر، بلاغت منطق، اشتقاق الفاظ و عربی ساختن
 کلمه‌ها، و صداقت احساس و درستی حدس و گمان و شناخت نسب. (الراغب
 الاصبهانی: ۱۵۲)

این مجموعه، حکایت از آن دارد که قوم عرب و زبان عربی از گذشته‌های دور به
 کلام و منطق و زبان اهمیت می‌داده‌اند.

۳- عربیت قرآن یعنی وضوح و روشنی

با توجه به مباحث قبل، مفهوم عربیت قرآن روشن خواهد شد و این حقیقت مورد
 اتفاق خواهد بود که منظور از عربی بودن قرآن، وضوح و بیان است، نه زبان یک قوم
 یا جمعیت خاص. دلایلی که برای این موضوع قابل ذکر است، عبارت است از:

الف: سطح زبان قرآن بسیار فراتر از سطح زبان عربی آن روز و همچنین آثار
 ادبی عربیها بود؛ لذا قرآن آنان را به تحدی فراخواند و از آنان خواست که مثل آن
 یا حداقل آیه‌ای مانند از آن بیاورند که آنها نتوانستند و از آوردن آن عاجز
 شدند؛ (عبدالطوب، ۱۳۶۷: ۹۴)

ب: هر پیغمبری برای تبیین اندیشه و هدف خود با زبان قوم خود صحبت می‌کند؛ ولی این هم‌زبانی دلیلی بر قداست و اهمیت زبان نیست، بلکه از امکان شناخت و بیان هدف حکایت می‌کند. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه فرموده اند: «منظور این است که بتوانند احکام الهی را برای آنان بیان کنند و مقاصد خود را به دیگران بفهمانند» (علامه طباطبائی - ترجمه سیدمحمدباقر موسوی: ۸). ایشان در تفسیر آیه «ولو جعلناه قرآنا اعجمياً لقالوا لولا فصلت آياته اعجمی و عربی» فصلت ۴۱ آیه ۴۴ می‌فرمایند یعنی: اگر ما قرآن را اعجمی می‌کردیم؛ یعنی کلامی بود که مقاصدش را نمی‌رساند، کفار می‌گفتند چرا آیاتش را روشن و مبین نکردی و چرا مطالبش را از هم جدا نساختی. آیا کتابی اعجمی بر مردمی عربی نازل می‌شود؟ و این دو با هم منافات دارد؛ و بعد می‌فرمایند که اثر و خاصیت قرآن دائرمدار واژه عربیتش نیست، بلکه برای انسانهای مؤمن هدایت و شفاء است. (علامه طباطبائی - ترجمه سیدمحمدباقر موسوی: ۶۰۷) سیدعلی اکبر قریشی در تفسیر احسن الحدیث در ذیل آیه «انا انزلناه قرآنا عربیاً لعلکم تعقلون» یوسف آیه ۲، می‌گوید: این آیه در تکمیل آیه قبل است، و پس از آنکه کتاب را با «مبین» توصیف کرد، اینجا می‌فرماید که آن را قرآنی روشن و فصیح نازل کردیم تا بفهمید و اگر منظور از «عربیاً» زبان و لغت عرب باشد، می‌رساند که زبان عرب برای فهماندن مطالب از دیگر زبانها برتر و یا منحصر به فرد است. وی آن گاه از قول راغب اصفهانی نقل می‌کند که ایشان عربی را کلام فصیح و روشن معنی کرده است «العربی، الفصیح البین من الکلام» (قرشی: ۸۲). در قرآن مجید به طور مکرر به این موضوع تصریح شده که از آن جمله است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ»

(ابراهیم/۴) یعنی: هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر با زبان قوم خود او تا برای آنها روشنگری کند.

ج: مأموریت کتابهای آسمانی و بعثت پیغمبران، بیان است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ» (آل عمران/۱۸۶) یعنی: و هنگامی که خداوند از کسانی که کتاب به آنها داده شده، پیمان گرفت که آن را برای مردم بیان کنند و از کتمان آن پرهیزند.

علاوه بر این، در خصوص اینکه قرآن مجید خود بیان است و آنچه در آن موجود است نیز بیان می باشد، تصریحاتی وارد شده است که بخشی از آنها ذکر می شود:

« هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ » (آل عمران / ۱۳۸).

« اِنَّ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّ قُرْآنٌ مُّبِينٌ » (یس / ۶۹).

« حم وَّ الْكِتَابِ الْمُبِينِ » (دخان / ۲).

« وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ » (نحل / ۸۹).

« وَ لَقَدْ نَزَّلْنَا اِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَّمَا يَكْفُرُ بِهَا اِلَّا الْفٰسِقُونَ » (بقره / ۴۴).

« وَ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ اِلَيْهِمْ » (نحل / ۴۴).

بهاء الدین خرمشاهی در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی می گوید: «عربی بودن به خاطر زبان قوم عرب نیست؛ چون این امر بدیهی است و نیاز به تکرار (۱۱ مورد) ندارد. منظور از عربی بودن قرآن، وضوح، فصاحت و بلاغت آیات قرآن است؛ مثلاً وقتی قرآن می گوید «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» منظور وضوح و بیان است؛ چون اگر غیر عربی هم بود «هُدًى لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً لِّلْعٰلَمِينَ» بود. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۴۴۵)

در قرآن مجید بیش از صد مورد تعبیراتی از این قبیل به کار رفته است که گواه این حقیقت است که خداوند متعال در ارسال کتب آسمانی، از جمله قرآن روی توضیح و بیان آنها بسیار تأکید دارد. لذا اگر از زبان آن قوم استفاده می کند تنها به عنوان ابزار بیان و روشنگری مفاهیم و مقاصد است و این انتخاب امتیازی محسوب نمی شود.

د: در آن زمان، در سرزمین نزول وحی زبان دیگری نبوده است که گزینش صورت گیرد یا تعارضی بین زبانها نبوده است که عربی آوردن ناقض آن باشد؛ ضمن اینکه خداوند متعال آجل از آن است که به چنین موضوعات کوچکی توجه کند.

جمعیت‌هایی که آن روز در اطراف شبه جزیره عربی زندگی می کردند، عبارت بودند از: در شرق، امپراطوری فارس؛ در شمال، امپراطوری روم؛ در جنوب غربی، امپراطوری حبشه.

زبان ساکنان شبه جزیره که شهرهای مهم و نسبتاً متمدن آن عبارت بودند از مکه، یثرب و طائف، عربی بود. (شعبان، ۱۴۱۱هـ: ۱۲)

حدود شبه جزیره عربی که در جنوب غربی آسیا واقع شده و بزرگترین شبه جزیره جهان است، به شکل متوازی الاضلاعی است که از شمال به اردن و شام، از شرق به عراق و خلیج فارس، از جنوب به اقیانوس هند و از غرب به دریای احمر منتهی می شود. زبان عربی شاخه ای از زبان سامی است که به یکی از فرزندان حضرت نوح (ع) بنام سام بن نوح منسوب است.

پس از طوفان نوح، سه پسر از ایشان باقی ماند به نامهای سام، حام و یافث.

(صالح: ۷۱؛ عبد التواب؛ ۱۳۷۷: ۳۳)

بلاد عرب مناسبتین سرزمین برای رسالت جهانی اسلام بود؛ چون از نظر جغرافیایی بین آسیا و آفریقا و نزدیک اروپا بود. (مودودی، ۱۹۸۰، م: ۵۸)

از نظر اجتماعی و تاریخی هم مردم اینجا مناسب بودند: از نظر جغرافیایی مگه به دلیل زیارتگاه بودن و احترام به سنگ سیاه - که معتقد بودند از آسمان آمده است - همه ساله جمع زیادی را دور خود جمع می کرد و گاه بعضی خدایان خود را هم می آوردند تا زیر این سنگ الهی پرستش کنند. حادثه چاه زمزم هم بر اهمیت آن افزود و ماجرای ابراهیم و هاجر و اسماعیل و خود این خانه فضای مناسبی برای مرکزیت این سرزمین فراهم می نمود.

مگه محل مسافرت عربها، عبادتگاه آنان و محل دیدار و تجارت آنها بود. در این سرزمین انجمنهای ادبی ای بود که شاعران و سخنوران در آن سخن می گفتند. بازار عکاظ در بین عربها مشهور بود در آن سرزمین حکومتی نبود؛ لشگری نبود و نظام اداری هم وجود نداشت؛ بلکه به صورت قبیله ای اداره می شد و یک نفر بزرگ، آن را اداره می کرد. (ابراهیم حسن: ۵۲)

ه: در زمان ظهور اسلام، در جزیره العرب، زبان عربی واحدی وجود نداشت که همه اقوام به آن تکلم کنند، بلکه قبایل مختلف، لهجه های مختلفی داشتند؛ به همین جهت قرآن مجید به عنوان زبان مشترک همه عربها درآمد و سطح آن هم بسیار فراتر از سطح زبان رایج در آن سرزمین مطرح گردید. (عبد التواب، ۱۳۶۷: ۹۵)

و: در قرآن مجید از زبانهای دیگر هم کلماتی آمده است که مطلق بودن آن به عربی را نفی می کند. در این باره از سعید بن جبیر و وهب بن منیه و ابومیسره، تابعی بزرگوار نقل شده که گفته اند: در قرآن از هر زبانی هست. (سیوطی ۱۳۶۳: ۴۷۲)

که از آن جمله می توان موارد زیر را ذکر نمود؛ این موارد برای نمونه ذکر می شود و گونه تعداد آنها خیلی بیش از این است:

اباریق که فارسی است به معنی آب ریختن به آسانی (آبریز)؛
 ابلعی در آیه ابلعی ماء ک به زبان حبشی یعنی آن را فرو ببر؛
 أَخْلَدَ به زبان عبری است؛ یعنی زمین به سوی پستی تمایل کرد؛
 استبرق در لغت عجم دیبای ضخیم است؛
 اصری در لغت نَبَطی به معنی پیمان من؛
 اکواب در لغت نَبَطی به معنی کوزه هاست .

قاضی تاج الدین بن السبکی، ۲۷ کلمه را به شعر در آورده است که از غیر زبان عربی است:

السلسیل و طه کُورَت بیع	روم و طوبی و سجیل و کافور
والزنجیل و مشکاه سراق مع	استبرق صلوات سندس طور
کذا قراطیس ربانیهم و عَسَا	ق و دینار و القسطاس مشهور
کذاک قسوره و الیم ناشته	و یؤت کفلین مذکور و مسطور
له مقالید فردوس یعدُّ کذا	فیما حکمی ابن دُرید منه تنور
(سیوطی، ۱۳۶۳: ۴۸۵)	

وجود این کلمات، بیانگر این نکته است که منظور قرآن از واژه «عربی» بیان و وضوح بوده است، نه تأکید بر زبان خاص.

۴- برجستگیهای زبان عربی

اگر چه موضوع عربیت قرآن، بیان، وضوح و روشنی این کتاب الهی است و ارتباطی به قومیت عربی ندارد؛ ولی باید اذعان کرد که این زبان دارای برجستگیهای زیادی است که هیچ زبانی با آن قابل مقایسه نیست. در این رابطه موارد زیادی قابل ذکر است که به برخی از آنها اشاره می شود.

احمد بن علی القلقشندی در صبح الاعشی می نویسد:

«و لاخفاء انها امتن اللغات و اوضحها بیانا و ازلقها لساناً و امدّها رواقاً و اغذیها مذاقاً، من ثم اختارها الله تعالی لا شرف رسله و خاتم انبیائه و خیرته من خلقه و صفوته من بریته من خلقه و جعلها لغه اهل سماءه و سکان جنته و انزل بها کتابه المبین الّذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه». (القلقشندی، ج ۱: ۱۸۳-۱۹۳)

پوشیده نیست که زبان عربی قویترین زبانها و روشنترین، صافترین، درخشانترین و گواراترین آنهاست به همین دلیل، خداوند متعال این زبان را برای شریفترین پیامبران و پایان بخش آنان و بهترین انسان و برگزیده خود از بین مردم، انتخاب کرده است و آن را زبان اهل آسمان و ساکنان بهشت قرار داده است و کتاب روشن خود را - که هیچ باطلی از قبل و بعد به آن راه ندارد- به این زبان نازل کرده است.

با دقت در این گفتار، این حقیقت ثابت می شود که برجستگی زبان عربی به علت ارزش بیانی آن است.

دکتر صبحی صالح بعضی از موارد مبالغه آمیز را در این خصوص بیان می کند:

« لا یرتاب احد من الباطنیین اللغویین، قدامی و محدثین، شرقیین و غربیین، فی ان العربیة من اقدم اللغات و اقواها اصالة و اوسعها تعبيراً، بل یتصلدی بعضهم الیوم

اعتبار العربیه فوق اللغات السامیه قاطبه فهی امّ اللغات الآریات لا السامیات فحسب «
(صالح: ۳۴۷)

هیچ یک از پژوهشگران زبان شناس در گذشته و حال از مشرق زمین و مغرب زمین تردید نمی کند که زبان عربی از کهن ترین زبانها و اصیل ترین آنها و همچنین پر دامنه ترین آنهاست. بعضیها چنین اظهار کرده اند که ارزش زبان عربی بالاتر از تمامی زبانهای سامی است. این زبان، نه تنها مادر زبانهای سامی است، بلکه زبانهای آریایی نیز از آن سرچشمه گرفته است.

وی همچنین به بیان خصایص زبان عربی می پردازد و می گوید که زبان عربی دارای این امتیازات است:

۱- اصالت در مقیاس و سنجش؛ و در این باره می گوید: این لغت از عربهای اصلی- بدوی اخذ شده است و هر چه از نظر زمان قدیمتر باشد، قداست بیشتری خواهد داشت. این تأکید به جهت پیشگیری از آمیزش آن با لهجه های شهری و آینده است.

۲- اعراب؛ در این باره می گوید: عربها لغت خود را با اعراب به ارث برده اند و لحنهایی هم که پیش آمده، مربوط به اختلاط اعاجم است.

۳- تناسب حروف با معانی؛ مثلاً اگر «صَعِدَ» بگویی چون «صاد» قویتر است، اثر صعود بر کوه و دیوار را خواهی دید؛ ولی سین سَعِدَ ضعیف تر از صاد است؛ چون مشاهده نمی شود و در معرض دیدن قرار نمی گیرد. همچنین کلمه وصیله یعنی وصل و صله که بسیار قوی است و در مقابل آن وسیله که جزئی از توسل است، مفهوم ضعیف تری را می رساند.

۴- اشتقاق و استخراج کلمه ای از کلمه دیگر به گستردگی زیاد.

۵- اتساع عربی در تعبیر، به دلیل کثرت استعمال در این زبان. (صبحی صالح:

(۱۴۱)

جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغه، ویژگیهایی برای عربی ذکر می کند که عبارتند از:

۱- اعراب که از خصایص قدیم این زبانها بوده است.

۲- دقت تعبیر: در زبان عربی، هر لفظ معنایی خاص خود را دارد؛ مثلاً ساعت‌های روز، ساعت اول روز، ساعت بعد از غروب، به ترتیب ضحی، غزاله، هاجره، زوال، عصر، اصیل، صوب، خُدور، غروب نامیده می شود و به همین صورت کثرت افعال و مزیدات آن، از دقت تعبیر در زبان عربی حکایت دارد.

۳- اعجاز و ایجاز.

۴- مترادفات و اضداد، مثلاً: قعود برای قیام و جلوس، نضح برای عطش و سیرابی، ذاب برای سیلان و جمود آب، اقوی برای افتقار و استغناء.

۵- کثرت معانی برای لفظ واحد، مثلاً: عین ۳۵ معنی دارد، عجزوز ۶۰ معنی.

(زیدان، ج ۱: ۴۹)

علاوه بر این برجستگیها، ستایشهایی درباره قوم عرب و زبان عربی ذکر شده است که لازم است به آنها نیز اشاره شود.

از ابن مسعود نقل شده که گفته است:

« قال رسول الله (ص) اذا سألتم الحوائج فاسألوا العرب فانها تُعطى لثلاث خصال،

کرم احسابها و استحیاء بعضها من بعض و المؤاساة لله، ثم قال: من ابغض العرب

ابغض الله». (اندلسی، ج ۲: ۳۲۴)

پیامبر (ص) فرمودند: وقتی چیزی را درخواست می کنید، از عربها درخواست کنید؛ زیرا آنها به خاطر سه خصوصیت بخشش می کنند: بزرگواری گذشتگان، حیای بعضی از بعضی دیگر و همراهی با خداوند متعال. آن حضرت آن گاه فرمودند: هر کس عرب را در معرض کینه خود قرار دهد، خداوند را مورد کینه قرار داده است

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه (۱) سوره یوسف می گوید:

« عربیت قرآن در ضبط اسرار آیات و حقائق معارف نقش دارد و اگر به زبان دیگری می بود، بعضی از اسرار آن از اندیشه مردم مخفی می ماند. » (علامه طباطبایی، ج ۱: ۸۰)

مرحوم طبرسی در مجمع البیان در ذیل آیه ۱۹۵ سوره شعراء می گوید:

« و قد تَضَمَّنَتْ هَذِهِ الْآيَةَ تَشْرِيفَ هَذِهِ اللَّغَةِ لِأَنَّهَا سَمَّاها مُبِيناً وَ لِذَلِكَ: اختارها لِأَهْلِ الْجَنَّةِ. » (نوری: ۲۴۶)

یعنی: این آیه دلیل بزرگداشت این زبان است به خاطر اینکه آن را «مبین» نامیده است و به همین دلیل خداوند آن را برای اهل بهشت انتخاب کرده است.

۵- تأثیر قرآن در تحوّل و تنظیم قوانین زبان عربی

زبان عربی هم مثل سایر زبانها دارای پیدایش، رشد، تغییر و تبدل بوده است و آنچه پس از آمدن اسلام بیشتر مورد نظر واقع شد، لهجه حجاز است. قبل از اسلام لهجه های متعددی بود که به نام قبایل معروف آن زمان شناخته می شدند و در بین آنها اختلافاتی در لفظ و ترکیب موجود بود که از آن جمله است: لهجه تمیم، مضر، قیس، هذیل، قضاعه. (زیدان، ۱۹۸۳، ج ۱: ۳۸)

قبل از آمدن اسلام، هیچ یک از زبانها و لهجه های فوق مشخصه خاصی نداشتند؛ لیکن بعد از آمدن اسلام، روی لهجه قرآن که لهجه قریش است، تکیه شد و آن را به این برجستگی و عظمت رساند.

اسلام همان گونه که در اوضاع سیاسی آن جامعه تأثیر گذاشت و قبایل متعدد را به یک مجتمع انسانی تبدیل کرد، در ادبیات هم تأثیر گذاشت و زمینه ساز پیدایش دانشهای متعددی گردید. در این میان نقش قرآن در پیدایش علوم متعدّد کم نظیر بود. قرآن موجب شد نحو عربی شکل گیرد و اشعار شاعران عرب مورد توجه واقع شود؛ زیرا برای فهم قرآن باید به آنها استناد شد.

ابن عباس گفته است: «اذا قرأتم شيئاً من كتاب الله و لم تعرفوه فاطلبوه في الاشعار لان الشعر ديوان العرب»

یعنی: وقتی چیزی از قرآن خواندید و مفهوم آن را نفهمیدید، آن را در اشعار عرب جستجو کنید؛ چرا که شعر دیوان عرب است.

در همین رابطه علم حدیث، تفسیر، فقه، تاریخ، جغرافیا شکل گرفت و قرآن محور اصلی این تحولات بود؛ در حالی که قبل از آن هیچ یک از اینها در بین عربها مطرح نبود. (زیدان، ج: ۱، ۳۸)

نحو عربی هم در همین رابطه شکل گرفت و ابوالاسود دؤلی به دستور امام علی (ع) پایه های نحو عربی را بنا گذاشت. (النّدیم، ترجمه و تحقیق تجدّد، ۱۳۶۶: ۷۰)

در پایان به روایاتی در اهتمام به عربی اشاره می کنیم و حسن ختام این مقاله را روایات معصومین (ع) قرار می دهیم.

قال النبی (ص):

« اقرؤا القرآن بالحن العرب و اصواتها و ایاکم و لحن اهل الفسق و اهل الکبائر»

(حکیمی، ج ۲: ۱۱۷)

پیامبر فرمودند: قرآن را به لحن و آهنگ عربها بخوانید و از خواندن آن با آهنگ فاسقان و گناهکاران اجتناب نمایید.

امام صادق (ع) فرمودند: « تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ »

یعنی: عربی بیاموزید؛ چرا که عربی سخن خداست و به وسیله آن با مردم سخن

گفته است و فرموده اند: «اعرب القرآن فإنه عربی» (کلینی، ج ۲: ۶۱۵)

یعنی قرآن را اعراب گذاری کنید (به وضوح و روشنی بخوانید)؛ چرا که قرآن

عربی است.

نتیجه گیری

اگر چه زبان عربی دارای برجستگیهای ویژه ای است که آن را از سایر زبانها متمایز می کند، ولی عربیت قرآن به معنی زبان عربی قوم عرب نیست. از بیان قرآن استفاده می شود که منظور از نزول قرآن، به زبان عربی این است که قرآن کتابی است روشن، فصیح و بسیار قابل فهم.

این معنی نیز از آیات قرآن استنتاج می شود که در آنها، هم از عربی بودن قرآن سخن به میان آمده است، هم از هدف نزول قرآن و سایر کتابهای آسمانی و هم از بررسی اهداف مأموریت پیامبران الهی.

منابع

قرآن مجید .

ابراهیم حسن، دکتر حسن؛ تاریخ الاسلام السیاسی و الثقافی و الاجتماعی؛ مکتبه النهضة المصریه، چاپ هفتم.

ابن منظور الافریقی المصری ، ابوالفضل جمال الذین محمد بن مکرم؛ لسان العرب، ج ١؛ دار صادر بیروت .
حکیمی محمد رضا و محمد حکیمی و علی حکیمی ؛ الحیاه مکتب، نشر الثقافه الاسلامیه ١٣٩٩ هـ - ق .
خرمشاهی، بهاءالذین؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ تهران : نشر دوستان ناهید، ١٣٧٧ .

راغب الاصبهانی، حسین بن محمد؛ محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء؛ دار مکتبه الحیاه .
زیدان، جرجی ؛ تاریخ آداب اللغه العربیه؛ دار مکتبه الحیاه ؛ بیروت، لبنان، چاپ ١٩٨٣ .

سیوطی، جلال الذین عبدالرحمن؛ الاتقان، ج ١؛ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی؛ تهران: امیرکبیر ١٣٦٣ .
شعبان، حلمی علی ؛ محمد (ص)؛ دارالکتب العلمیه ؛ بیروت ، لبنان چاپ اول ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م .

صالح، صبحی؛ دراسات فی فقه اللغه؛ دارالعلم للملایین (نشرادب الحوزه) چاپ نهم .

الطبرسی، العلمآه المحقق الشیخ ابو علی الفضل بن الحسن ؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی ؛ تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

طباطبایی ، علامه سید محمد حسین؛ المیزان؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه طهران: چاپ دوم .

طباطبایی، علامه سید محمد حسین؛ ترجمه المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عبدالثواب، رمضان؛ مباحثی در فقه اللغه؛ ترجمه سیدرضا شیخی؛ آستان قدس رضوی، چاپ اول بهمن ٣٧٧ .
قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، چاپ اول ١٣٧٠.

القلفشندی، احمد بن علی صبح الاعشى؛ شرح و تعلیق، محمد حسین شمس الذین؛ لبنان: دارالکتب العلمیه، چاپ اول .

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق ؛ اصول کافی؛ دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ١٣٨٨ .

مودودی، ابوالاعلی؛ مبادئ الاسلام ، الاتحاد العالمی للمنظمات الطلابیه؛ کویت ١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م .

نوری، علامه یحیی؛ اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام؛ مؤسسه فراهانی، چاپ دوم .

الیسوعی، الاب لويس معلوف ؛ المنجد؛ بیروت، لبنان: دارالمشرق چاپ بیستم .

